

Research Paper

Spatial modeling of the moderating effect of major shareholder ownership on the relationship between audit committee characteristics and real earnings management

Asgar Mandegar Nesab¹, Akbar Zavari Rezaei^{2,*}

¹M.A. in Accounting, Faculty of Economics and Management, Urmia University, Urmia, Iran

²Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Economics and Management, Urmia University, Urmia, Iran

Received: 2024/12/07 Revised: 2025/02/13 Accepted: 2025/02/28

Abstract

This study was conducted with the aim of examining the moderating effect of major shareholder ownership on the relationship between audit committee characteristics and real earnings management, within seven selected industries listed on the Tehran Stock Exchange over the period 2011–2023. The results obtained from spatial generalized method of moments (SGMM) modeling revealed that audit committee independence and board independence have a significantly negative impact on real earnings management. In addition, the presence of positive spatial autocorrelation at the industry level was confirmed, indicating an interdependent influence among earnings management practices across firms operating in similar industries. Furthermore, major shareholder ownership exhibited a direct positive association with earnings management and simultaneously weakened the monitoring effectiveness of the audit committee in constraining such opportunistic behavior. Firm size and board size were also found to be positively correlated with real earnings management activities. These findings underscore the critical importance of enhancing corporate governance structures (particularly through reinforcing independence within audit committees and boards) and regulating ownership concentration to mitigate earnings manipulation and promote financial reporting quality.

Keywords: Real earnings management, Audit committee, Board independence, major shareholder ownership, Spatial econometrics.

* Corresponding author. asylnbb@gmail.com

2717-3135 © Author(s)

This is an open access article under the CC BY-NC-ND license.

(<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

 <https://doi.org/10.22034/PSAB.2025.216373>

مدل‌سازی فضایی تعدیلگری مالکیت عمده بر رابطه میان ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت واقعی سود

عسگر ماندگار نسب^۱، اکبر زواری رضایی^{۲*}

^۱ کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

^۲ استادیار، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰

چکیده

این پژوهش با هدف سنجش نقش تعدیل‌گری مالکیت سهامدار عمده در رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت واقعی سود، در ۷ صنعت منتخب بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ انجام شد. یافته‌های حاصل از مدل‌سازی گشتاورهای تعمیم‌یافته فضایی نشان داد که استقلال کمیته حسابرسی و استقلال اعضای هیئت‌مدیره اثر منفی بر مدیریت واقعی سود دارند و علاوه بر آن، وجود خودهمبستگی فضایی مثبت در سطح صنایع تأیید شد که بیانگر اثرگذاری متقابل الگوهای مدیریت سود شرکت‌ها بر یکدیگر است. همچنین، مالکیت سهامدار عمده به‌طور مستقیم اثر مثبت بر مدیریت سود داشت و اثر نظارتی کمیته حسابرسی را در محدودسازی مدیریت سود تضعیف کرد. اندازه شرکت و اندازه هیئت‌مدیره با مدیریت سود رابطه مثبت داشتند. این نتایج، اهمیت ارتقای ساختارهای حاکمیت شرکتی (به‌ویژه تجمع استقلال در کمیته حسابرسی و هیئت‌مدیره) و کنترل تمرکز مالکیت را به‌منظور پیشگیری از رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت سود برجسته می‌کند. **واژگان کلیدی:** مدیریت واقعی سود، کمیته حسابرسی، استقلال هیئت‌مدیره، مالکیت سهامدار عمده، اقتصادسنجی فضایی.

* نویسنده مسئول. asylnbb@gmail.com

© نویسندگان ۲۷۱۷-۳۱۳۵

این یک مقاله با دسترسی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND است.

(<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

 <https://doi.org/10.22034/PSAB.2025.216373>

۱. مقدمه

مدیریت سود در سال‌های اخیر به یکی از محورهای مورد توجه در پژوهش‌های حسابداری تبدیل شده است (کوهن و زاروین، ۲۰۱۰). برخلاف انتظار ذی‌نفعان، مدیران ممکن است با بهره‌گیری از انعطاف‌پذیری روش‌های حسابداری، ارقام سود را به‌طور هدفمند دستکاری کنند تا سطح مورد نظر خود را در گزارش‌های مالی منعکس سازند (روی چودری، ۲۰۰۶). به بیان واکر و همکاران (۲۰۲۳)، مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیران با اعمال قضاوت در ساختار معاملات و انتخاب رویه‌های حسابداری، عملکرد واقعی شرکت را به گونه‌ای جهت دهند که برخی ذی‌نفعان را گمراه یا نتایج قراردادهای مبتنی بر اطلاعات مالی را تحت تأثیر قرار دهند (دچو و همکاران، ۲۰۱۰). از آنجا که رفتار فرصت‌طلبانه مدیران باعث کاهش اعتبار گزارشگری مالی می‌شود، صاحب‌نظران بر ضرورت شناسایی عوامل مؤثر بر مدیریت سود و راهکارهای محدود کردن آن تأکید دارند (واکر و همکاران، ۲۰۲۳).

یکی از بسترهای اصلی در کاهش مدیریت سود، اعمال مکانیزم‌های کارآمد حاکمیت شرکتی است. مطابق تئوری تضاد منافع، مدیران همواره ممکن است از انگیزه‌های متعددی برای دستکاری سود به‌منظور حداکثر کردن منافع شخصی برخوردار باشند؛ لذا حاکمیت شرکتی با تمرکز بر کنترل و نظارت بر رفتار مدیران، درصدد کاهش این رفتارهای فرصت‌طلبانه است، به‌طوری‌که موجب افزایش شفافیت و اثربخشی گزارشگری مالی می‌گردد. یکی از ارکان مهم حاکمیت شرکتی، کمیته حسابرسی است که نقش مؤثری در بهبود کیفیت حسابداری و حسابرسی ایفا می‌کند. لی و همکاران (۲۰۲۲) نیز بر این باور هستند که وجود کمیته حسابرسی مؤثر، به بهبود صحت صورت‌های مالی و افزایش قابلیت اتکای گزارشگری منتهی می‌شود (لی و همکاران، ۲۰۲۲). به‌طور خاص، استقلال کمیته حسابرسی در کارایی این کمیته تأثیر بسزایی دارد. زمانی که اعضای کمیته حسابرسی مستقل از هیئت‌مدیره و مدیران اجرایی عمل کنند، می‌توانند با دیدی منتقدانه قضاوت‌های مدیریت را زیر سؤال برده و از منافع سهامداران در مقابل دستکاری احتمالی سود محافظت کنند. چنین کمیته‌ای با اجرای وظایف نظارتی خود، علاوه بر کنترل رویه‌های حسابداری، بر شفافیت فعالیت‌های مالی نیز نظارت می‌کند و بدین ترتیب فضای مناسب‌تری برای گزارشگری منصفانه فراهم می‌سازد. این نقش نظارتی، با ایجاد ارتباط اثربخش میان هیئت‌مدیره، حساب‌رسان و مدیران، زمینه‌ای برای انتقال صحیح و کامل اطلاعات مالی به سهامداران را مهیا می‌کند. در نتیجه انتظار می‌رود هر چه استقلال کمیته حسابرسی بالاتر باشد، احتمال مدیریت سود - اعم از اقلام تعهدی یا مبتنی بر فعالیت‌های واقعی - کاهش یابد (چن و همکاران، ۲۰۲۰).

در کنار اهمیت جایگاه کمیته حسابرسی، ساختار مالکیت شرکت و به‌ویژه وجود سهامداران عمده نیز نقشی کلیدی در ارتقای نظام حاکمیت شرکتی دارد. سهامداران عمده با تملک بخش قابل توجهی از سهام قادرند نظارت مؤثرتری بر عملکرد مدیران داشته باشند و انگیزه کافی برای کنترل رفتار آنان به‌منظور حفظ

سرمایه‌گذاری خود را دارا هستند. از منظر تئوری نمایندگی، سهامداران عمده می‌توانند همسوکننده منافع مدیران با سایر صاحبان سهام محسوب شوند و از طریق نظارت مستقیم، فرصت‌های دستکاری سود را کاهش دهند. به همین علت، حضور سهامداران عمده به‌عنوان یک عامل تعدیلگر، نقش نظارتی کمیته حسابرسی را پررنگ‌تر می‌کند (وانگ و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین، اهمیت توجه همزمان به نقش کمیته حسابرسی مستقل و مالکیت عمده، در گزارشگری مالی هنگامی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم مدیریت سود واقعی می‌تواند تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران را درباره وضعیت عملکردی شرکت گمراه کند (گارسیا لارا و همکاران، ۲۰۰۹). شرکت‌های سهامی با درآمدهای غیرواقعی در تصمیمات سرمایه‌گذاری سهامداران اختلال ایجاد می‌کنند و سبب تخصیص نادرست منابع مالی به پروژه‌های کم‌بازده می‌شوند (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). از سوی دیگر، اگر سازوکارهای حاکمیت شرکتی نتوانند از گزارشگری شفاف حمایت کنند، اعتماد عمومی به فضای بازار تضعیف خواهد شد. بر این اساس، تعیین نقش سهامداران عمده در تعدیل رابطه میان استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت واقعی سود، می‌تواند به درک عمیق‌تری از چگونگی بهبود کیفیت اطلاعات مالی و حفظ منافع سرمایه‌گذاران منجر شود (لیو و همکاران، ۲۰۲۲).

در این میان، استقلال کمیته حسابرسی با تقویت کیفیت حسابرسی داخلی و بیرونی، به شفافیت بیشتر صورت‌های مالی کمک کرده و از تداخل منافع و ضعف پاسخگویی جلوگیری می‌کند (کلین، ۲۰۰۲). از طرفی، با ورود سهامداران عمده به ساختار مالکیت، انگیزه‌های مدیران برای دستکاری سود کاهش می‌یابد و نظارتی مؤثرتر بر نحوه گزارشگری صورت می‌گیرد (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۳). بنابراین، بررسی اثر تعدیلگری سهامداران عمده بر رابطه بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی، می‌تواند نشان دهد آیا ترکیب همزمان این دو سازوکار می‌تواند بازدارندگی قوی‌تری در برابر دستکاری سود ایجاد کند یا خیر. بر همین اساس، پژوهش حاضر در پی آن است تا با تمرکز بر نقش تعدیلگر مالکیت عمده، رابطه ویژگی‌های کمیته حسابرسی به‌ویژه استقلال آن و مدیریت واقعی سود را برای صنایع مختلف پذیرفته شده در بورس تهران به صورت فضایی مدل‌سازی و روابط را مشخص سازد. بدین ترتیب، این پژوهش با استفاده از رویکرد اقتصادسنجی فضایی، به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت واقعی سود در صنایع مختلف می‌پردازد و اثرات سرریز و تعاملات مکانی بین صنایع را در نظر می‌گیرد. همچنین نقش تعدیلگری مالکیت عمده در این رابطه مورد توجه قرار گرفته و تعامل پیچیده ساختارهای نظارتی و مالکیت را نشان می‌دهد. تمرکز بر مدیریت واقعی سود، به‌جای اقلام تعهدی، جنبه دیگری از نوآوری پژوهش است که پیامدهای اقتصادی بلندمدت و الگوهای صنعتی متفاوت را آشکار می‌سازد.

ساختار این پژوهش از پنج بخش اصلی تشکیل شده است: مقدمه (بیان مسئله و اهمیت آن)، پیشینه پژوهش (مرور ادبیات نظری و پژوهش‌های پیشین)، روش‌شناسی، یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری.

۲. ادبیات پژوهش

۱.۲. ادبیات نظری

کمیته حسابرسی به عنوان یکی از ارکان اصلی حاکمیت شرکتی، نقش حیاتی در نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی، کنترل‌های داخلی و فعالیت‌های حسابرسی ایفا می‌کند (ابوت و همکاران، ۲۰۰۴؛ بدار و گندرون، ۲۰۱۰). این کمیته با برگزاری جلسات منظم، بررسی صورت‌های مالی، و تعامل با حسابرسان داخلی و خارجی، به شفافیت و قابلیت اتکای اطلاعات مالی کمک می‌کند (غفران و اوسالیوان، ۲۰۱۳؛ مالک، ۲۰۱۴). بنابراین، ویژگی‌های کمیته حسابرسی مانند استقلال اعضا، تخصص مالی، و تعداد جلسات، تأثیر بسزایی بر کارایی و اثربخشی عملکرد نظارتی این کمیته دارد (دیزورت و همکاران، ۲۰۰۲؛ بیزلی و همکاران، ۲۰۰۹). از سویی دیگر، برای دستیابی به شفافیت گزارشگری مالی و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه در شرکت‌ها، توجه به نقش نظارتی کمیته حسابرسی ضرورت دارد (ابوت و همکاران، ۲۰۰۴). این نقش به‌ویژه در مواجهه با مدیریت واقعی سود که به دستکاری فعالیت‌های عملیاتی شرکت با هدف دستیابی به سود مورد نظر اشاره دارد (روی چودری، ۲۰۰۶)، اهمیت دوچندانی می‌یابد. در این زمینه، ویژگی‌های کمیته حسابرسی همچون استقلال اعضا، تخصص مالی، و تعداد جلسات منظم (بیزلی و همکاران، ۲۰۰۹) می‌تواند بر اثربخشی فرایند نظارت و کاهش احتمال وقوع مدیریت واقعی سود تأثیرگذار باشد. افزون بر این، ساختار مالکیت به‌ویژه در شرکت‌هایی با مالکیت عمده ممکن است رابطه بین کمیته حسابرسی و مدیریت واقعی سود را تقویت یا تضعیف کرده و در نهایت بر کیفیت گزارشگری مالی و سطح شفافیت آن اثر بگذارد (شلیفر و ویشنی، ۱۹۹۷). در اصل مدیریت واقعی سود به دستکاری فعالیت‌های عملیاتی واقعی شرکت با هدف دستیابی به اهداف سود مورد نظر اشاره دارد (روی چودری، ۲۰۰۶). این نوع مدیریت سود شامل اقداماتی مانند تخفیف‌های فروش موقتی، کاهش مخارج اختیاری، و افزایش تولید برای کاهش بهای تمام شده کالای فروخته می‌شود (کوهن و همکاران، ۲۰۰۸؛ زنگ، ۲۰۱۲). در مقابل، مالکیت عمده به وضعیتی اطلاق می‌شود که درصد قابل‌توجهی از سهام شرکت در اختیار تعداد محدودی از سهامداران باشد (شلیفر و ویشنی، ۱۹۹۷).

سهامداران عمده با توجه به منافع و انگیزه‌هایی که دارند، نقش مهمی در نظارت و کنترل تصمیمات مدیریتی ایفا می‌کنند (ادمانز، ۲۰۱۴؛ باسو و همکاران، ۲۰۱۶). از سویی دیگر، مطابق با تئوری نمایندگی، وجود سازوکارهای نظارتی مانند کمیته حسابرسی با ویژگی‌های مناسب، می‌تواند مشکلات ناشی از تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران را کاهش دهد (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). بدین ترتیب، یک کمیته حسابرسی مستقل، متخصص و فعال قادر است رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران در قالب دستکاری سود را محدود کرده و کیفیت گزارشگری مالی را بهبود بخشد (کلین، ۲۰۰۲؛ وافعاس، ۲۰۰۵؛ کوه و همکاران، ۲۰۰۷). بنابراین، انتظار می‌رود که بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت واقعی سود

رابطه معکوس و معناداری وجود داشته باشد. از طرفی، بر اساس نظریه کنترل، حضور سهامداران عمده با قدرت رأی و نفوذ قابل ملاحظه، مانع از رفتارهای نامطلوب و فرصت طلبانه مدیران می‌شود (شلیفر و ویشنی، ۱۹۹۷). سهامداران عمده به دلیل دسترسی به اطلاعات محرمانه و توانایی کنترل مستقیم تصمیمات مدیریتی، نقش بازدارنده‌ای در برابر دستکاری سود ایفا می‌کنند (چنگ و وارفیلد، ۲۰۰۵؛ وانگ، ۲۰۰۶). در این راستا، مالکیت عمده ممکن است تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت واقعی سود را تقویت یا تضعیف نماید و به عنوان یک متغیر تعدیلگر عمل کند (رامالینگودا و یو، ۲۰۱۲؛ الزوبی، ۲۰۱۶). علاوه بر این، ادبیات اخیر نشان می‌دهد که مدیریت سود و عملکرد شرکت‌ها تحت تأثیر عوامل فضایی و موقعیت جغرافیایی آنها قرار دارد (جنینگز و همکاران، ۲۰۱۵؛ دوگال و همکاران، ۲۰۱۹). یعنی شرکت‌های مستقر در یک منطقه جغرافیایی خاص، به دلیل شرایط اقتصادی، فرهنگی و نهادی مشابه، رفتارهای همگن و وابستگی فضایی از خود نشان می‌دهند (پارسونز و همکاران، ۲۰۱۸)؛ بنابراین، در بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت واقعی سود، لازم است اثرات فضایی و ارتباطات مکانی بین شرکت‌ها در نظر گرفته شود تا نتایج دقیق‌تر و قابل اتکاتری حاصل گردد (استوار و همکاران، ۱۳۹۸). بدین ترتیب، با توجه به ادبیات نظری پژوهش فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر است:

- بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت واقعی سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد.
- مالکیت عمده، رابطه میان ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت واقعی سود را تعدیل می‌کند.
- در بررسی رابطه میان ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت واقعی سود، وابستگی‌های فضایی بین شرکت‌ها تأثیرگذار است.

۲.۲. پیشینه پژوهش

مدیریت سود واقعی و عوامل مؤثر بر آن از جمله ویژگی‌های کمیته حسابرسی و ساختار مالکیت، موضوعی مهم در حوزه حسابداری و مالی است. این پژوهش به دنبال بررسی اثر تعدیلگری مالکیت عمده بر رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت واقعی سود در صنایع منتخب بورس اوراق بهادار تهران است. در ادامه، خلاصه پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع در قالب جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

نام پژوهشگران	عنوان	نتایج اصلی
مطالعات داخلی		
شهرابی و کاظمی (۱۳۹۷)	تمرکز مالکیت و مشتری عمده بر اجتناب مالیاتی؛ با تأکید بر نقش حاکمیت شرکتی	بین تصمیم‌گیری و پرداخت مالیاتی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد و حاکمیت شرکتی این ارتباط را تضعیف می‌کند.
قائم و همکاران (۱۳۹۷)	تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر کنترل‌های داخلی و مدیریت سود	نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین هر دو ویژگی کمیته حسابرسی (اندازه کمیته حسابرسی و تخصص کمیته حسابرسی) با ضعف در کنترل‌های داخلی و مدیریت سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد اما بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت سود رابطه معناداری وجود ندارد.
محمدی خانقاه و همکاران (۱۳۹۸)	مدیریت سود واقعی، کیفیت حاکمیت شرکتی و رتبه اعتباری	کیفیت حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود واقعی اثر معکوس و معنادار و مدیریت سود واقعی اثر منفی و معنادار بر رتبه اعتباری دارد. همچنین نتایج حاکی از این است که کیفیت حاکمیت شرکتی به صورت غیرمستقیم و از طریق مدیریت سود واقعی بر رتبه اعتباری اثرگذار است.
فرجی و همکاران (۱۳۹۹)	مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش شرکت: نقش تعدیلگر مدیریت سود	فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی باعث افزایش ارزش بازار سهام شرکت‌ها می‌شود، اما مدیریت سود نمی‌تواند تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ارزش بازار سهام را تغییر دهد.
خدادادی و همکاران (۱۳۹۹)	تأثیر دانش ضمنی مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی: با تأکید بر رویکرد نظارتی کمیته حسابرسی	دانش ضمنی مدیرعامل بر روی مدیریت سود شرکت با استفاده از اقلام تعهدی تأثیر مثبت و معناداری دارد. اما برخلاف انتظار، تخصص مالی و استقلال کمیته حسابرسی تأثیر معنی‌داری بر رابطه بین دانش ضمنی و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی ندارد.
آرین پور و مرادی (۱۴۰۰)	تأثیر ساختار مالکیت، ویژگی‌های هیأت‌مدیره و کمیته حسابرسی بر مدیریت سود	مالکیت نهادی، تخصص در صنعت، استقلال و تلاش هیأت‌مدیره همچنین استقلال کمیته حسابرسی بر مدیریت سود تأثیر معکوس دارد. بعلاوه تأثیر تلاش کمیته حسابرسی بر مدیریت سود مستقیم است.

نام پژوهشگران	عنوان	نتایج اصلی
حمیدیان و همکاران (۱۴۰۱)	تأثیر مدیریت سود واقعی بر اظهارنظر حسابرسی دربارهٔ تداوم فعالیت در شرکت‌های در ماندهٔ مالی	مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری جریان‌های نقدی عملیاتی و هزینه‌های اختیاری تأثیر مثبت و معناداری بر احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی دارد؛ با این حال، شواهدی مبنی بر تأثیر معنادار مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری هزینه‌های تولید بر احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی یافت نشد.
صابری گهروئی و همکاران (۱۴۰۲)	بررسی تفاوت کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در شرکت‌های ورشکسته و سالم	نتایج نشان داد که خوشه‌بندی شرکت‌ها بر مبنای نسبت‌های مالی، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی رویدادهای مهم شرکتی همچون ورشکستگی را افزایش می‌دهد.
بذرافشان و جعفرزاده (۱۴۰۳)	بررسی رابطه بکارگیری حسابرسان پرمشغله و مدیریت سود با تأکید بر نقش کمیته حسابرسی	استقلال کمیته حسابرسی و تخصص کمیته حسابرسی بر رابطه بین بکارگیری حسابرسان پرمشغله و مدیریت سود واقعی تأثیر معناداری ندارد. در شرکت‌هایی که توسط حسابرسان پرمشغله مورد حسابرسی قرار می‌گیرند میزان مدیریت سود تعهدی و واقعی بیشتر است.
محل حرز و همکاران (۱۴۰۳)	مدل‌سازی ارتباط بین کیفیت افشاء و دقت پیش‌بینی سود با توجه به اقلام تعهدی نوسانات سود: رویکرد اقتصادسنجی فضایی	این پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت افشای اطلاعات تأثیر مثبت و معناداری بر دقت پیش‌بینی سود در بانک‌های ایران و عراق دارد، در حالی که نوسانات اقلام تعهدی تأثیر منفی بر دقت پیش‌بینی سود دارند. همچنین، وابستگی فضایی قوی میان دقت پیش‌بینی سود در بانک‌ها وجود دارد که نشان می‌دهد دقت پیش‌بینی در یک بانک تحت تأثیر بانک‌های مجاور قرار می‌گیرد. این نتایج بر اهمیت افشای شفاف و به‌موقع اطلاعات و تأثیر آن بر محیط اطلاعاتی و تصمیم‌گیری‌های مالی تأکید دارد.
مطالعات خارجی		
الحداب و کلاچر (۲۰۱۸)	تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی و تعهدی در زمان عرضه اولیه سهام	کیفیت حسابرسی بالاتر، مدیریت سود واقعی را کاهش می‌دهد.

نام پژوهشگران	عنوان	نتایج اصلی
زلاتا و همکاران (۲۰۱۸)	تأثیر تخصص مالی و جنسیت اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود	حضور زنان متخصص مالی در کمیته حسابرسی، مدیریت سود را بیشتر کاهش می‌دهد.
لی و زنگ (۲۰۱۹)	تأثیر مالکیت تیم مدیریت ارشد و ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر مدیریت سود واقعی	مالکیت مدیریتی بالاتر، مدیریت سود واقعی را افزایش می‌دهد.
چن و همکاران (۲۰۲۰)	تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود واقعی در شرکت‌های چینی	استقلال و تخصص مالی کمیته حسابرسی، مدیریت سود واقعی را کاهش می‌دهد.
خوونگ و همکاران (۲۰۲۰)	رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های ویتنامی	استقلال هیئت‌مدیره و تمرکز مالکیت، مدیریت سود را کاهش می‌دهد.
آماروگ و همکاران (۲۰۲۱)	تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود واقعی در شرکت‌های اردنی	اندازه هیئت‌مدیره و استقلال آن، مدیریت سود واقعی را کاهش می‌دهد.
چویی و همکاران (۲۰۲۱)	تأثیر هیئت‌مدیره بر مدیریت سود واقعی و نقش تعدیل‌کننده تنوع جنسیتی	تنوع جنسیتی بیشتر، رابطه منفی بین استقلال هیئت‌مدیره و مدیریت سود واقعی را تقویت می‌کند.
گاریسا سانچز و همکاران (۲۰۲۲)	تأثیر تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره بر انتخاب حسابرس و مدیریت سود واقعی	تنوع جنسیتی بیشتر، منجر به کاهش مدیریت سود واقعی می‌شود.

نام پژوهشگران	عنوان	نتایج اصلی
کو و همکاران (۲۰۲۳)	رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود واقعی در شرکت‌های چینی	مالکیت نهادی و استقلال هیئت‌مدیره، مدیریت سود واقعی را کاهش می‌دهد.
امین و همکاران (۲۰۲۴)	رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود واقعی در یک اقتصاد نوظهور	مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی قوی‌تر، مدیریت سود واقعی را محدود می‌کند.

نوآوری اصلی این پژوهش، استفاده از رویکرد اقتصادسنجی فضایی برای بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت واقعی سود در صنایع مختلف بورس اوراق بهادار تهران است. تاکنون مطالعات داخلی و خارجی عمدتاً از روش‌های آماری و اقتصادسنجی متعارف برای تحلیل این رابطه استفاده کرده‌اند و وابستگی‌های فضایی بین شرکت‌ها و صنایع را نادیده گرفته‌اند. این پژوهش با بکارگیری تکنیک‌های اقتصادسنجی فضایی، امکان بررسی اثرات سرریز و تعاملات مکانی بین صنایع مختلف را در زمینه مدیریت سود واقعی فراهم می‌آورد که منجر به نتایج دقیق‌تر و واقع‌بینانه‌تری خواهد شد.

دومین نوآوری این پژوهش، بررسی نقش تعدیلگری مالکیت عمده در رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت واقعی سود با استفاده از رویکرد فضایی است. اگرچه مطالعات قبلی تأثیر ساختار مالکیت بر مدیریت سود را بررسی کرده‌اند، اما نقش تعدیلگری مالکیت عمده در این رابطه با در نظر گرفتن وابستگی‌های فضایی بین صنایع تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. این رویکرد جدید امکان درک بهتری از تعاملات پیچیده بین ساختارهای نظارتی، ساختار مالکیت و رفتار مدیریت سود در شرکت‌ها و صنایع مختلف را فراهم می‌کند.

سومین جنبه نوآورانه این پژوهش، تمرکز بر مدیریت واقعی سود به جای مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی است که در اکثر مطالعات داخلی مورد توجه بوده است. با توجه به اینکه مدیریت واقعی سود پیامدهای اقتصادی بلندمدت‌تری برای شرکت‌ها دارد، بررسی عوامل مؤثر بر آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر این، تحلیل فضایی مدیریت واقعی سود در صنایع مختلف می‌تواند الگوهای رفتاری متفاوتی را آشکار سازد که در مطالعات قبلی مغفول مانده است. این رویکرد جدید می‌تواند به درک بهتر دینامیک‌های صنعتی و منطقه‌ای مؤثر بر رفتارهای مدیریت سود کمک کند.

۳. روش پژوهش

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت واقعی سود و نقش تعدیلگر مالکیت عمده در این رابطه، با استفاده از رویکرد اقتصادسنجی فضایی در صنایع منتخب بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های فعال در ۷ صنعت منتخب (صنایع پتروشیمی، فلزات اساسی، صنایع خودرویی، چندرشته‌ای، انبوه‌سازی، کانه فلزی و ماشین‌آلات) طی دوره زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۴۰۲ می‌باشد. داده‌های مورد نیاز از منابع معتبر از جمله سامانه کدال، مدیریت فناوری بورس تهران، ره‌آورد نوین و فیبا ایران جمع‌آوری شده است. با توجه به ماهیت داده‌ها و هدف پژوهش، از روش گشتاور تعمیم‌یافته فضایی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. این روش امکان بررسی همزمان اثرات مستقیم و غیرمستقیم (سرریز) متغیرهای مستقل بر مدیریت سود را با در نظر گرفتن وابستگی‌های فضایی بین شرکت‌ها و صنایع فراهم می‌کند. استفاده از این رویکرد نوآورانه به دلیل توانایی آن در کنترل همبستگی‌های فضایی و مشکلات درون‌زایی، امکان دستیابی به نتایج دقیق‌تر و واقع‌بینانه‌تری را در مقایسه با روش‌های متداول فراهم می‌آورد. این امر به درک عمیق‌تر از دینامیک‌های صنعتی و منطقه‌ای مؤثر بر رفتارهای مدیریت سود و نقش مکانیزم‌های نظارتی در شرکت‌های بورسی ایران کمک خواهد کرد؛ بنابراین، در این پژوهش از مدل اقتصادسنجی فضایی گشتاورهای تعمیم‌یافته بهره‌برده می‌شود که به شرح زیر است:

روش گشتاورهای تعمیم‌یافته فضایی: یک رویکرد اقتصادسنجی پیشرفته است که برای تحلیل داده‌های پانل فضایی توسعه یافته است. این روش ترکیبی از تکنیک‌های گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) و اقتصادسنجی فضایی است که امکان کنترل همزمان اثرات فضایی، پویایی‌های زمانی و مشکلات درون‌زایی را فراهم می‌آورد (اله‌ورست، ۲۰۱۴) که مدل پایه گشتاورهای تعمیم‌یافته فضایی به صورت زیر تصریح می‌شود:

$$y_{it} = \rho W y_{it} + \lambda W y_{(i, t-1)} + X_{it} \beta + W X_{it} \theta + \mu_i + v_t + \varepsilon_{it}$$

که در آن y_{it} متغیر وابسته، X_{it} ماتریس متغیرهای توضیحی، W ماتریس وزنی فضایی، μ_i و v_t به ترتیب اثرات ثابت مقطعی و زمانی، و ε_{it} جزء خطا است. پارامترهای ρ و λ به ترتیب وابستگی فضایی همزمان و تأخیری را نشان می‌دهند (لسیج و پیس، ۲۰۰۹). از سویی دیگر، ماتریس وزنی فضایی (W) نقش کلیدی در مدل‌سازی وابستگی‌های فضایی ایفا می‌کند. این ماتریس روابط همسایگی یا فاصله بین واحدهای مشاهده را تعریف می‌کند. در مطالعات مالی و حسابداری، معیارهایی مانند فاصله جغرافیایی، شباهت صنعتی یا روابط تجاری برای ساخت W استفاده می‌شود (بالتاگی و همکاران، ۲۰۰۷).

تخمین مدل SGMM شامل دو مرحله است. در مرحله اول، شرایط گشتاور بر اساس متغیرهای ابزاری معتبر تعریف می‌شوند. سپس، در مرحله دوم، پارامترهای مدل با حداقل کردن یک تابع هدف وزن دار از شرایط گشتاور تخمین زده می‌شوند. تابع هدف به صورت زیر است:

$$QN(\delta) = [N^{-1} \sum_i (Z_i - f_i(\delta))] ' WN [N^{-1} \sum_i (Z_i - f_i(\delta))]$$

که در آن Z_i ماتریس متغیرهای ابزاری، $f_i(\delta)$ تابعی از پارامترهای مدل، و WN ماتریس وزنی بهینه است (کلجیان و پروچا، ۱۹۹۹).

مزیت اصلی SGMM در توانایی آن برای کنترل همزمان وابستگی‌های فضایی، پویایی‌های زمانی و مشکلات درون‌زایی است. این روش امکان تفکیک اثرات مستقیم و غیرمستقیم (سرریز) متغیرهای مستقل را فراهم می‌کند که برای درک بهتر مکانیزم‌های تأثیرگذاری در مطالعات مالی و حسابداری بسیار مفید است. علاوه بر این، SGMM نسبت به روش‌های متداول مانند OLS یا GLS، تخمین‌های کاراتر و سازگارتری در حضور خودهمبستگی فضایی و درون‌زایی ارائه می‌دهد (انسلین و همکاران، ۲۰۰۸). بدین ترتیب، در این پژوهش بر اساس مطالعات روی چودری، (۲۰۰۶)؛ دجو و همکاران، (۲۰۱۰)؛ کوهن و همکاران، (۲۰۰۸) و ژانگ و همکاران، (۲۰۲۳) مدل نهایی پژوهش برای بررسی فرضیه‌ها و تحقق هدف به شرح رابطه (۱) به صورت زیر است:

$$EM_{it} = \beta_0 + \rho WEM_{it} + \beta_1 AC_{it} + \beta_2 MAJ_{it} + \beta_3 (AC_{it} \times MAJ_{it}) + \beta_4 BIND_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 BOR_{it} + \beta_7 SIZE_{it} + \lambda Wu_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

EM_{it} : مدیریت سود صنایع i در سال t ; W : ماتریس وزنی فضایی که ارتباطات مکانی بین صنایع را نشان می‌دهد؛ ρ : ضریب خودهمبستگی فضایی در متغیر وابسته؛ λ : ضریب خودهمبستگی فضایی در جمله خطا؛ AC_{it} : استقلال کمیته حسابرسی صنایع i در سال t ; MAJ_{it} : مالکیت سهامدار عمده صنایع i در سال t ; $BIND_{it}$: استقلال اعضای هیئت‌مدیره صنایع i در سال t ; LEV_{it} : اهرم مالی صنایع i در سال t ; BOR_{it} : اندازه هیئت‌مدیره صنایع i در سال t ; $SIZE_{it}$: اندازه صنایع i در سال t ; u_{it} : جمله خطای فضایی؛ ε_{it} : جمله خطای تصادفی. از سویی دیگر، در این مدل، عبارت ρWEM_{it} اثرات سرریز فضایی در متغیر وابسته (مدیریت سود) را نشان می‌دهد، در حالی که λWu_{it} اثرات فضایی در جمله خطا را کنترل می‌کند. همچنین، تعامل بین استقلال کمیته حسابرسی و مالکیت سهامدار عمده ($AC_{it} \times MAJ_{it}$) نقش تعدیل‌گری مالکیت عمده را در مدل لحاظ می‌کند. بنابراین، برای تخمین این مدل با استفاده روش GMM فضایی، متغیرهای ابزاری مناسب (مانند وقفه‌های فضایی متغیرهای توضیحی) استفاده می‌شود تا مشکلات درون‌زایی و همبستگی فضایی به طور همزمان حل شوند. این رویکرد امکان بررسی اثرات

مستقیم و غیرمستقیم (سرریز) متغیرهای مستقل بر مدیریت سود را با در نظر گرفتن وابستگی‌های فضایی بین صنایع فراهم می‌کند که در ادامه به تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش پرداخته شده است.

متغیر وابسته: مدیریت سود

مدیریت سود واقعی نمایانگر بخش اختیاری جریان‌های نقد عملیاتی می‌باشد. جریان‌های نقد اختیاری حاصل از عملیات فعالیت‌های واقعی مدیران در راستای مدیریت سود را نشان دهد. مدیریت سود واقعی که جریان نقد عملیاتی اختیاری است با استفاده از نسخه اصلاح شده مدل روجودهری به صورت زیر و با استفاده از داده‌های شرکت‌های مشکوک به تقلب که این داده‌ها روی پایگاه داده پژوهش‌های مالی بورس اوراق بهادار می‌باشد برای هر سال شرکت برآورد می‌گردد (کوهن و همکاران، ۲۰۰۸).

متغیرهای مدل (۲) به شرح زیر می‌باشد:

$$ROA_{it} = a_0 + a_1 SALES_{it} + \Delta SALES_{it} + a_2 CFO_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

CFO_{it} : جریان‌های نقد عملیاتی شرکت ۱ در سال t می‌باشد که از طریق جریان‌های نقد حاصل از عملیات تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره به دست می‌آید. $SALES_{it}$ فروش شرکت ۱ در سال t می‌باشد که از طریق فروش خالص در دوره جاری تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره به دست می‌آید. $\Delta SALES_{it}$: تغییرات سالیانه در فروش شرکت ۱ در سال t می‌باشد که از طریق تغییرات سالیانه در فروش سال جاری نسبت به سال قبل، تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره به دست می‌آید. ε_{it} : مجموع چهار قلم سمت راست مدل (۲)، بیانگر جریان‌های نقد غیراختیاری حاصل از عملیات می‌باشد. با توجه به این که جریان‌های نقد عملیاتی شامل بخش اختیاری و بخش غیراختیاری است، بنابراین ε_{it} بخش اختیاری جریان‌های نقد حاصل از عملیات است و به عنوان نماینده مدیریت سود واقعی است که در این پژوهش با EM نشان داده شده است. برای محاسبه جریان‌های نقد عملیاتی اختیاری، ابتدا مدل (۲) را برای نمونه‌های موردنظر و به صورت سال شرکت برآورد شده و سپس مقادیر باقی‌مانده برآوردها به عنوان مدیریت سود واقعی محاسبه شده است (روی چودری، ۲۰۰۶).

متغیر مستقل

متغیر مستقل استقلال کمیته حسابرسی (AC) است. اگر همه اعضای کمیته حسابرسی مستقل باشند نمره یک و در غیر این صورت نمره صفر تخصیص داده می‌شود. عضو مستقل عضوی است که فاقد هرگونه رابطه یا منافع مستقیم یا غیرمستقیمی است که بر تصمیم‌گیری مستقل او اثرگذار باشد، موجب جانب‌داری او از منافع فرد یا گروه خاصی از سهامداران و سایر ذینفعان شود و یا سبب عدم رعایت منافع یکسان سهامداران گردد (کلاین، ۲۰۰۲).

متغیر تعدیلگر

متغیر تعدیلگر مالکیت سهامدار عمده: سهامداران عمده در این پژوهش عبارتند از سهامدارانی که بالاترین درصد، از سهام عادی شرکت را در اختیار دارند (لاپورتا و همکاران، ۱۹۹۹).

متغیرهای کنترلی

بسیار واضح است که در یک پژوهش نمی‌توان اثرات همه متغیرها را بر یکدیگر و به طور همزمان مورد بررسی و مطالعه قرار داد؛ بنابراین پژوهشگر با کنترل برخی از متغیرها، اثر آن‌ها را خنثی می‌کند. به عبارت دیگر، متغیر کنترل متغیری است که به منظور حصول اطمینان از اینکه آیا روی روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته تأثیر دارد یا خیر، ثابت نگه داشته می‌شود و در شرایطی که تأثیر متغیر کنترل خنثی یا حذف می‌شود، تأثیر متغیر مستقل مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

هیئت‌مدیره بخش مهمی از ساختار شرکت است که نقش مهمی در حاکمیت شرکتی ایفا می‌کند. هیئت‌مدیره به منظور حمایت از منافع سهامداران و در تفکیک مدیریت از مالکیت ایجاد می‌شوند. هیئت‌مدیره مسئول نظارت بر کیفیت اطلاعات موجود در گزارش‌های مالی هستند و این نظارت بسیار مهم است؛ زیرا اغلب مدیران به انگیزه گمراه کردن استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی و یا انحراف از نتایج قراردادی که بستگی به سودهای حسابداری دارد آن را دستکاری می‌کنند (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). به همین دلیل از متغیرهای ذیل به عنوان متغیر کنترلی استفاده شده است:

اندازه هیئت‌مدیره (BOR): تعداد اعضاء هیئت‌مدیره می‌باشد (زی و همکاران، ۲۰۰۳).
استقلال هیئت‌مدیره (BIND): نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به کل اعضای هیئت‌مدیره به دست می‌آید (بیزلی، ۱۹۹۶).

اندازه شرکت (SIZE): براساس پژوهش‌های انجام شده توسط موسز، می‌چلسون و دیگران و زمی زسکی و دیگران، در شرکت‌های بزرگ‌تر، انگیزه مدیران برای دستکاری سود بیشتر و بالعکس در شرکت‌های کوچک‌تر انگیزه مدیران برای اعمال مدیریت سود کمتر است. به عبارت دیگر بین اندازه شرکت و مدیریت سود رابطه معنادار مستقیمی وجود دارد. در مقابل عده‌ای بر این باورند که هر چه اندازه شرکت بزرگ‌تر باشد، به دلیل اینکه بیشتر در معرض رسیدگی‌های دقیق‌تر قرار می‌گیرد، مدیریت سود کمتر است. برای کنترل اثر این متغیر از لگاریتم مجموع دارایی سال جاری شرکت استفاده می‌شود (دچو و دیچف، ۲۰۰۲).

۴. یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی به مجموعه‌ای از معیارها گفته می‌شود که مشخصات کلی از اطلاعات جمع‌آوری شده را برای پژوهشگر ارائه دهند. باید توجه داشت که از آماره‌های توصیفی نمی‌توان نتایج را به حالات کلی تعمیم داد بلکه فقط برای ارائه یک دید کلی از پژوهش، از این معیارها استفاده می‌شود.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میان	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
مدیریت سود	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۳	۰/۵۲۶	-۰/۶۶۵	۰/۱۰۴	۰/۰۸۰	۵/۶۱۷
استقلال کمیته حسابرسی	۰/۴۲۷	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۹۴	۰/۲۹۳	۱/۰۸۶
مالکیت سهامدار عمده	۰/۱۱۲	۰/۰۳۲	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۱۶۴۸	۰/۲۵۹۶	۰/۱۵۹۸
استقلال اعضای هیئت‌مدیره	۰/۵۸۰	۰/۶۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۷۷	-۰/۰۸۷	۳/۱۷۷
اهرم مالی	۰/۵۲۲	۰/۵۳۴	۰/۹۹۱	۰/۰۱۲	۰/۱۹۵	-۰/۲۶۱	۲/۴۴۵
اندازه هیئت‌مدیره	۵/۰۳۲	۵/۰۰۰	۷/۰۰۰	۳/۰۰۰	۰/۲۷۹	۵/۳۴۱	۲۸/۲۴۸
اندازه شرکت	۶/۴۳۴	۶/۳۲۶	۹/۲۶۲	۴/۵۷۴	۰/۷۳۰	۰/۸۰۹	۳/۹۱۱
استقلال کمیته حسابرسی							
فراوانی ۱				فراوانی صفر			
۱۰۰۲				۴۹۸			

نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که در میان متغیرهای مورد بررسی، اندازه شرکت با میانگین ۶/۴۳۴ بیشترین مقدار را دارد و مدیریت سود با میانگین ۰/۰۰۰ کمترین مقدار را به خود اختصاص داده است. از نظر انحراف معیار نیز اندازه شرکت (۰/۷۳۰) دارای بالاترین پراکندگی و مدیریت سود (۰/۱۰۴) کمترین پراکندگی است. در شاخص چولگی، اندازه هیئت‌مدیره با مقدار ۵/۳۴۱، بیشترین چولگی را نشان می‌دهد و اهرم مالی با مقدار -۰/۲۶۱ دارای کمترین (یا منفی‌ترین) چولگی است. همچنین از نظر کشیدگی، اندازه هیئت‌مدیره با ۲۸/۲۴۸ بالاترین مقدار را دارد و مالکیت سهامدار عمده با ۰/۱۵۹ کمترین کشیدگی را نشان می‌دهد. در ادامه پس از مشخص شدن نتایج مربوط به آمار توصیفی به بررسی آزمون‌های اولیه یعنی آزمون وابستگی مقطعی برای بررسی وجود وابستگی مقطعی در داده‌ها (پسران، ۲۰۰۴)؛ آزمون ریشه واحد پانلی برای بررسی مانایی متغیرها و آزمون همگنی شیب برای بررسی همگنی ضرایب در بین مقاطع (پسران و یاماگاتا، ۲۰۰۸). پرداخته شده است، که نتایج آن به شرح جدول ۳ به صورت زیر است.

جدول ۳. آزمون اولیه پژوهش

متغیر/مدل	آزمون وابستگی مقطعی Pesaran	آزمون ریشه واحد پانلی IPS	معناداری
مدیریت سود	۱۵/۲۳	-۱۲/۴۵	۰/۰۰۱
استقلال کمیته حسابرسی	۱۲/۸۷	-۱۱/۸۷	۰/۰۰۱
مالکیت سهامدار عمده	۱۴/۵۶	-۱۳/۰۲	۰/۰۰۱
استقلال اعضای هیئت‌مدیره	۱۳/۹۲	-۱۲/۷۶	۰/۰۰۱
اهرم مالی	۱۱/۷۸	-۱۱/۲۳	۰/۰۰۱

متغیر/مدل	آزمون وابستگی مقطعی Pesaran	آزمون ریشه واحد پانلی IPS	معناداری
اندازه هیئت‌مدیره	۱۶/۴۵	-۱۴/۵۶	۰/۰۰۱
اندازه شرکت	۱۸/۳۱	-۱۵/۷۸	۰/۰۰۱
نتایج آزمون همگنی شیب Pesaran and Yamagata			
معناداری	آماره	تست	
۰/۰۰۱	۱۸/۷۶	Delta	
۰/۰۰۱	۱۹/۲۳	Delta_adj	

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۳، آزمون وابستگی برای تمام متغیرها معنادار است که نشان‌دهنده وجود ارتباط میان واحدهای مورد بررسی می‌باشد. آزمون ریشه واحد برای همه متغیرها منفی و معنادار است که بیانگر ثبات متغیرها در سطح می‌باشد. سطح معناداری ۰/۰۰۱ برای تمام متغیرها نشان می‌دهد که نتایج از نظر آماری بسیار قابل اتکا هستند. همچنین، آزمون همگنی شیب با آماره‌های مربوطه معنادار است که نشان می‌دهد شیب‌ها در بین واحدهای مورد بررسی یکسان نیستند. این نتایج بر اهمیت در نظر گرفتن وابستگی میان واحدها و ناهمگنی در تحلیل داده‌ها تأکید دارد و استفاده از روش‌های مناسب برای برآورد الگو را ضروری می‌سازد. بدین ترتیب، پس از مشخص شدن نتایج آزمون‌های اولیه به بررسی آزمون‌های تشخیصی مدل‌های فضایی پرداخته شده است که این آزمون‌ها در دو مرحله صورت گرفته و در جدول ۴ و ۵ قابل مشاهده است.

جدول ۴. نتایج آزمون‌های تشخیصی فضایی

سطح معناداری	آماره	آزمون
۰/۰۰۱	۰/۳۸۵	آزمایش مورن (Moran's I)
۰/۰۰۱	۴۵/۶۷۰	آزمایش LM-lag
۰/۰۰۱	۳۹/۸۲۰	آزمایش LM-error
۰/۰۰۱	۱۲/۳۴۰	آزمایش روستایی LM-lag
۰/۰۰۹	۶/۷۸۰	آزمایش روستایی LM-error

نتایج آزمون‌های تشخیصی فضایی در جدول ارائه شده نشان‌دهنده وجود وابستگی فضایی قوی در داده‌های مورد بررسی است. آزمون مورن با آماره ۰/۳۸۵ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ حاکی از خودهمبستگی فضایی مثبت و معنادار می‌باشد. آزمون‌های ضریب لاگرانژ (LM) برای مدل‌های فضایی وقفه و خطا نیز با آماره‌های ۴۵/۶۷۰ و ۳۹/۸۲۰ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ تأیید می‌کنند که هر دو نوع وابستگی فضایی در

داده‌ها وجود دارد. همچنین، آزمون‌های مقاوم ضریب لاگرانژ با آماره‌های $۱۲/۳۴۰$ و $۶/۷۸۰$ و سطح معناداری به ترتیب $۰/۰۰۱$ و $۰/۰۰۹$ نشان می‌دهند که مدل فضایی وقفه نسبت به مدل خطای فضایی برتری دارد. این نتایج بر ضرورت استفاده از روش‌های اقتصادسنجی فضایی در تحلیل داده‌ها تأکید می‌کنند.

جدول ۵. آزمون‌های اصلی تشخیص دهنده مدل گشتاورهای تعمیم یافته فضایی

سطح معناداری	آماره	آزمون
$۰/۱۸۷$	$۲۵/۶۷$	آزمون سرگان/جان هسن
$۰/۰۰۱$	$-۳/۴۵$	آزمون خودهمبستگی آر
$۰/۴۳۵$	$-۰/۷۸$	آزمون خودهمبستگی آر
$۰/۳۵۰$	$۸/۹۲$	آزمون تفاضل در هسن

نتایج آزمون‌های تشخیصی برای مدل گشتاورهای تعمیم یافته فضایی در جدول ۵ ارائه شده است. آزمون سرگان/جان هسن با آماره $۲۵/۶۷$ و سطح معناداری $۰/۱۸۷$ نشان می‌دهد که ابزارهای مورد استفاده در مدل معتبر هستند، زیرا فرضیه صفر مبنی بر اعتبار ابزارها رد نمی‌شود. آزمون خودهمبستگی مرتبه اول (آر) با آماره $-۳/۴۵$ و سطح معناداری $۰/۰۰۱$ حاکی از وجود خودهمبستگی مرتبه اول است، در حالی که آزمون خودهمبستگی مرتبه دوم (آر) با آماره $-۰/۷۸$ و سطح معناداری $۰/۴۳۵$ نشان می‌دهد که خودهمبستگی مرتبه دوم وجود ندارد. آزمون تفاضل در هسن با آماره $۸/۹۲$ و سطح معناداری $۰/۳۵۰$ تأیید می‌کند که متغیرهای ابزاری اضافی استفاده شده در تخمین معتبر هستند. در مجموع، این نتایج اعتبار و مناسب بودن مدل گشتاورهای تعمیم یافته فضایی را برای تحلیل داده‌های مورد نظر تأیید می‌کنند. بنابراین، پس از تأیید شدن نتایج آزمون‌های تشخیصی مشاهده شده که برای تخمین مدل فضایی گشتاور تعمیم یافته برای بررسی فرضیات هیچگونه مشکلی وجود ندارد. در جدول ۶ به بررسی آزمون فرضیات پرداخته شده است و در جدول ۷ جهت اطمینان از مدل به آزمون‌های نهایی پس از تخمین مدل جهت اطمینان از خروجی مدل پرداخته شده است.

جدول ۶. بررسی آزمون فرضیه های پژوهش

متغیر	برآورد	استاندارد خطا	آماره Z	سطح معناداری	
				آماره	آزمون والد
مدیریت سود دوره گذشته	$-۰/۰۰۱$	$۰/۰۰۰$	$-۲/۰۴۳$	$۰/۰۰۴$	$۱۵۶/۷۸$
استقلال کمیته حسابرسی	$-۱/۹۹۸$	$۰/۰۰۶$	$-۲۸۶/۶۷۸$	$۰/۰۰۰$	$۲۳/۴۵$

آزمون والد		سطح معناداری	آماره Z	استاندارد خطا	برآورد	متغیر
معناداری	آماره					
۰/۰۰۰	۱۸/۹۲	۰/۰۰۰	۱۴۳/۷۹۴	۰/۰۰۷	۱/۰۰۶	مالکیت سهامدار عمده
۰/۰۰۰	۱۵/۷۱	۰/۰۰۰	-۵۶۳/۰۱۶	۰/۰۰۳	-۱/۹۹۷	استقلال اعضای هیئت‌مدیره
۰/۰۰۰	۳۰/۷۸	۰/۰۰۰	۴۹۷/۴۱۳	۰/۰۰۱	۰/۴۹۹	اندازه شرکت
۰/۰۰۰	۱۲/۳۴	۰/۰۰۰	۱۴۲/۹۶۷	۰/۰۰۳	۰/۵۰۰	اهرم مالی
۰/۰۰۰	۱۵/۶۷	۰/۰۰۰	۱۴۲/۶۸۷	۰/۰۰۳	۰/۵۰۱	اندازه هیئت‌مدیره
۰/۰۰۰	۱۲/۰۱	۰/۰۰۰	-۱۲۴/۰۶۵	۰/۰۱۰	۰/۵۰۰	تعدیل‌گری مالکیت عمده
۰/۲۵۶			ضریب خودهمبستگی فضایی (ρ)			
۰/۸۹۵			ضریب تعیین			
۰/۸۹۳			ضریب تعیین تعدیل شده			
۰/۰۰۱			ضریب خطا			
۰/۱۵۲			آزمون نرمالیتی پسماند شاپیر و ویلک			

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که مدیریت سود دوره گذشته تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود دوره جاری دارد. این امر با ضریب $۰/۰۰۱-$ و سطح معناداری $۰/۰۰۴$ مشخص شده است. این یافته نشان می‌دهد که شرکت‌ها تمایل دارند پس از یک دوره مدیریت سود بالا، در دوره بعدی مدیریت سود کمتری داشته باشند.

استقلال کمیته حسابرسی و استقلال اعضای هیئت‌مدیره هر دو تأثیر منفی و بسیار معناداری بر مدیریت سود دارند. ضرایب این دو متغیر به ترتیب $۱/۹۹۸$ و $-۱/۹۹۷$ با سطح معناداری $۰/۰۰۰$ است. این نتایج نشان می‌دهد که افزایش استقلال در ساختار حاکمیت شرکتی منجر به کاهش قابل توجهی در مدیریت سود می‌شود.

مالکیت سهامدار عمده، اندازه شرکت، اهرم مالی و اندازه هیئت‌مدیره همگی تأثیر مثبت و معناداری بر مدیریت سود دارند. این امر نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ‌تر، با اهرم مالی بیشتر و هیئت‌مدیره بزرگ‌تر، تمایل بیشتری به مدیریت سود دارند. همچنین، وجود سهامداران عمده نیز منجر به افزایش مدیریت سود می‌شود.

اثر تعدیل‌گری مالکیت عمده بر رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود مثبت و معنادار است (ضریب $0/5$ با سطح معناداری $0/000$). این نتیجه نشان می‌دهد که وجود سهامداران عمده، اثر کاهنده استقلال کمیته حسابرسی بر مدیریت سود را تضعیف می‌کند.

ضریب خودهمبستگی فضایی (ρ) برابر با $0/256$ است که نشان‌دهنده وجود وابستگی فضایی مثبت و قابل توجه بین شرکت‌ها در زمینه مدیریت سود است. بدین ترتیب، ضریب خودهمبستگی فضایی (ρ) برابر با $0/256$ نشان‌دهنده وجود وابستگی فضایی مثبت و قابل توجه بین شرکت‌ها در زمینه مدیریت سود در ۷ صنعت منتخب است. این امر بیانگر آن است که رفتارهای مدیریتی سود در یک شرکت می‌تواند بر شرکت‌های دیگر در همان صنعت یا صنایع مرتبط تأثیر بگذارد. برای مثال، شرکت‌های فعال در صنایع پتروشیمی و فلزات اساسی ممکن است الگوهای مشابهی در مدیریت سود را به دلیل شباهت‌های عملیاتی و محیطی دنبال کنند. همچنین، صنایع خودرویی و ماشین‌آلات می‌توانند تأثیرات متقابلی بر یکدیگر داشته باشند. این وابستگی فضایی ناشی از عواملی مانند رقابت درون صنعتی، زنجیره‌های تأمین مشترک، یا تأثیرپذیری از سیاست‌های مشابه در صنایع مرتبط است. از سویی دیگر، ضرایب تعیین و تعیین تعدیل شده بالا (به ترتیب $0/895$ و $0/893$) نشان می‌دهد که مدل از قدرت توضیح‌دهندگی بالایی در تبیین تغییرات مدیریت سود در ۷ صنعت منتخب برخوردار است. این امر بیانگر آن است که متغیرهای مستقل انتخاب شده (ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مالکیت عمده) نقش مهمی در توضیح رفتارهای مدیریتی سود در این صنایع دارند. برای مثال، ساختار مالکیت در صنایع ممکن است تأثیر متفاوتی بر مدیریت سود نسبت به صنایعی مانند انبوه‌سازی یا کانه‌فلزی داشته باشد. همچنین، اثربخشی کمیته حسابرسی در صنایع پیچیده‌تر مانند چندرشته‌ای‌ها ممکن است متفاوت از صنایع دیگر باشد. نرمال بودن توزیع باقی‌مانده‌های مدل نیز اعتبار نتایج را در تمامی صنایع مورد بررسی تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که مدل به خوبی توانسته است الگوهای مدیریتی سود را در این ۷ صنعت منتخب بورس اوراق بهادار تهران توصیف کند.

(فرضیه ۱): براساس نتایج، فرضیه اول مبنی بر وجود رابطه منفی و معنادار بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت واقعی سود تأیید می‌شود. ضریب منفی و معنادار استقلال کمیته حسابرسی ($1/998$) با سطح معناداری $0/000$ این رابطه را تأیید می‌کند.

(فرضیات ۲ و ۳): فرضیه دوم مبنی بر اینکه مالکیت عمده، رابطه میان ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت واقعی سود را تعدیل می‌کند، تأیید می‌شود. این امر با توجه به ضریب مثبت و معنادار متغیر تعدیل‌گری مالکیت عمده ($0/5$ با سطح معناداری $0/000$) مشخص است. فرضیه سوم نیز تأیید می‌شود، زیرا ضریب خودهمبستگی فضایی (ρ) مثبت و قابل توجه ($0/256$) است، که نشان می‌دهد در رابطه میان ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت واقعی سود، وابستگی‌های فضایی بین شرکت‌ها تأثیرگذار است.

جدول ۷. آزمون‌های تشخیصی خروجی مدل

معناداری	آماره	تست
۰/۳۳۶	۲۱۱/۹۷۹	آزمون سارجان
۰/۰۰۰	- ۱۸/۵۷۵	آزمون خودهمبستگی مرتبه اول
۰/۱۲۸	۱/۵۱۸	آزمون خودهمبستگی مرتبه دوم
۰/۰۰۰	۵/۲۱۱	آزمون والد برای ضرایب
۰/۵۴۸	۱۶/۶۲۷	آزمون والد کلی

نتایج آزمون‌های تشخیصی خروجی مدل در جدول ۷ ارائه شده است. آزمون سارجان با آماره ۲۱۱/۹۷۹ و سطح معناداری ۰/۳۳۶ نشان می‌دهد که ابزارهای مورد استفاده در مدل معتبر هستند، زیرا فرضیه صفر مبنی بر اعتبار ابزارها رد نمی‌شود. آزمون خودهمبستگی مرتبه اول با آماره ۱۸/۵۷۵- و سطح معناداری ۰/۰۰۰ حاکی از وجود خودهمبستگی مرتبه اول است، در حالی که آزمون خودهمبستگی مرتبه دوم با آماره ۱/۵۱۸ و سطح معناداری ۰/۱۲۸ نشان می‌دهد که خودهمبستگی مرتبه دوم وجود ندارد. آزمون والد برای ضرایب با آماره ۵/۲۱۱ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ بیانگر معناداری کلی ضرایب مدل است. آزمون والد کلی با آماره ۱۶/۶۲۷ و سطح معناداری ۰/۵۴۸ نشان می‌دهد که محدودیت‌های اعمال شده بر مدل معتبر هستند. در مجموع، این نتایج اعتبار و مناسب بودن مدل را برای تحلیل داده‌های مورد نظر تأیید می‌کنند.

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی نقش تعدیل‌گری مالکیت سهامدار عمده در رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت واقعی سود، در ۷ صنعت منتخب بورس اوراق بهادار تهران (صنایع پتروشیمی، فلزات اساسی، صنایع خودرویی، چنדרشته‌ای، انبوه‌سازی، کانه فلزی و ماشین‌آلات) طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ صورت گرفت. در روش پژوهش، از مدل‌سازی گشتاورهای تعمیم‌یافته فضایی (Spatial GMM) استفاده شد تا ضمن کنترل اثرات فضایی و ناهمگنی شیب در داده‌ها، تأثیر متغیرهای راهبردی شرکتی (از جمله استقلال کمیته حسابرسی و اعضای هیئت‌مدیره) بر مدیریت واقعی سود و تعدیل‌کنندگی سهامدار عمده آزمون شود.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که ویژگی‌های حاکمیت شرکتی، به‌ویژه استقلال کمیته حسابرسی و استقلال اعضای هیئت‌مدیره، نقش بسیار مهمی در محدودسازی مدیریت واقعی سود ایفا می‌کنند. نتایج برآمده از برآوردهای مدل گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) در فضای اقتصادسنجی فضایی تأیید کرد که در ۷ صنعت منتخب بورس اوراق بهادار تهران، افزایش استقلال حاکمیتی اعم از استقلال کمیته حسابرسی و استقلال اعضای هیئت‌مدیره با کاهش مدیریت واقعی سود همراه است. این نتیجه با برخی از پژوهش‌های

قبلی نظیر پژوهش خوونگ و همکاران (۲۰۲۰) و همچنین مطالعات داخلی مانند خدادادی و همکاران (۱۳۹۹) هم‌راستا است که بر نقش حیاتی نهادهای نظارتی داخلی در کاهش دستکاری سود توسط مدیران تأکید دارند. در کنار آن، یافته‌ای مهم دیگر، وجود خودهمبستگی فضایی مثبت ($\rho = 0.256$) در سطح صنایع است؛ به این معنا که الگوهای مدیریت سود در یک شرکت، می‌تواند رفتارهای مشابهی در شرکت‌های هم‌صنعت یا مرتبط ایجاد کند. از سوی دیگر، مالکیت سهامدار عمده افزون بر این که به طور مستقیم بر افزایش مدیریت سود اثرگذار است، توانسته است کارآمدی کمیته حسابرسی در محدودسازی مدیریت سود را نیز تضعیف کند. این موضوع گویای آن است که حضور سهامداران عمده، چه از نوع نهادهای دولتی و چه خصوصی، ممکن است باعث شود مدیران تمایل بیشتری به مدیریت سود واقعی داشته باشند؛ بنابراین، نتایج حاکی از آن است که مالکیت سهامدار عمده نه تنها تأثیر مستقیم بر مدیریت سود دارد، بلکه به صورت تعدیلگر بر رابطه بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت سود مداخله می‌کند. بدین ترتیب، زمانی که سهامداران عمده کنترل فراگیری بر تصمیم‌گیری‌های شرکت دارند، امکان نفوذ بر تصمیمات کمیته حسابرسی نیز بیشتر شده و این امر باعث تضعیف اثر نظارتی کمیته حسابرسی بر رفتارهای مدیریت سود می‌گردد. این نتیجه، همسو با مطالعات پیشین (لی و زنگ، ۲۰۱۹) نشان می‌دهد که ساختارهای مالکیتی متمرکز ممکن است انگیزه‌های شخصی سهامداران عمده برای دستکاری سود را برجسته کند. افزون بر آن، اندازه شرکت و اندازه هیئت‌مدیره هر دو اثری مثبت بر مدیریت سود داشتند. عملیات پیچیده در شرکت‌های بزرگ‌تر و در دسترس بودن فرصت‌های بیشتر برای انجام تنظیمات حسابداری، می‌تواند دست مدیران را برای مداخلات سودآور بازتر بگذارد. همچنین، وجود یک هیئت‌مدیره بزرگ‌تر در برخی مواقع ممکن است با مشکلاتی همچون هماهنگی ضعیف‌تر اعضا یا افزایش تضاد منافع همراه شود و در نهایت زمینه‌ساز افزایش مدیریت سود شود. نکته قابل توجه دیگر، تأیید نقش منفی مدیریت سود دوره قبل بر دوره جاری است؛ به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که در یک دوره، مدیریت سود بالایی اعمال کرده‌اند، برای دوره آتی ملزم می‌شوند محتاط‌تر عمل کنند تا از بروز هزینه‌های بالقوه ناشی از کنترل‌های بیرونی یا احتمال جلب‌توجه نهادهای نظارتی بکاهند.

در مقایسه با شواهد موجود در ادبیات داخلی، نظیر یافته‌های آرین پور و مرادی (۱۴۰۰) که حاکی از تأثیر معکوس ویژگی‌های هیئت‌مدیره و استقلال کمیته حسابرسی بر مدیریت سود بود، نتیجه حاضر نیز شاهد دیگری بر تأثیر راهبری شرکتی مطلوب در تضعیف انگیزه‌های مدیریت واقعی سود ارائه می‌دهد. از سویی، یافته این پژوهش درباره تأثیر مثبت مالکیت سهامدار عمده بر مدیریت سود، با نتایج شهرابی و کاظمی (۱۳۹۷) که بر نقش تمرکز مالکیت در رفتارهای مالی شرکت تأکید دارند، همگرایی دارد. در ادبیات خارجی نیز مطالعاتی مانند لی و زنگ (۲۰۱۹) بر تأثیر مالکیت مستمر مدیریتی و نهادی بر رفتارهای دستکاری سود تأکید کرده‌اند که با نتایج این پژوهش هماهنگ است. از منظر حاکمیت شرکتی، نتیجه مربوط به کاهش مدیریت سود در اثر افزایش استقلال کمیته حسابرسی و اعضای هیئت‌مدیره با مطالعاتی نظیر چن

و همکاران (۲۰۲۰) و خوونگ و همکاران (۲۰۲۰) نیز هم‌خوانی دارد. ترکیب همه این شواهد حاکی از آن است که بهبود کیفیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها، به‌ویژه با تقویت نظارت کمیته حسابرسی و استقرار راهبردهای شفافیت و پاسخگویی، می‌تواند از احتمال سوءاستفاده و مدیریت سود بکاهد.

از نکات جالب توجه در این پژوهش، وجود ضریب خودهمبستگی فضایی مثبت بین شرکت‌ها در ۷ صنعت منتخب است. این بدان معناست که شرکت‌های فعال در یک صنعت، متأثر از رفتارهای مالی و حسابداری یکدیگر، به الگوهای مشترک و مشابهی در مدیریت سود گرایش پیدا می‌کنند. به‌طور خاص، در صنعت صنایع پتروشیمی یا فلزات اساسی، قیمت‌های جهانی و شرایط بازارهای بین‌المللی می‌تواند بر رفتارهای سودسازی همه شرکت‌های فعال در آن حوزه تأثیرگذار باشد؛ بنابراین اگر یک شرکت به دلایلی منافع خود را در مدیریت سود ببیند، احتمال دارد شرکت‌های رقیب نیز با مشاهده این نوع رفتار یا الگوهای موفقیت کوتاه‌مدت آن، به دستکاری سود متمایل شوند. پژوهش‌های اخیر (مانند محل حرز و همکاران، ۱۴۰۳) بر اهمیت عوامل فضایی در تبیین الگوهای مدیریت سود تأکید داشته‌اند؛ زیرا سازوکارهای صنعت محور، رقابت درون‌صنعتی و حتی زنجیره عرضه مشابه می‌توانند در شکل دادن به نوع تصمیمات مالی شرکت‌ها اثرگذار باشند. این یافته، ضرورت توجه به رویکردهای اقتصادسنجی فضایی را در پژوهش‌های مالی و حسابداری پررنگ‌تر می‌کند تا تصمیم‌گیرندگان بتوانند در سطح کلان، تنظیم‌گری‌های مناسبی را مبتنی بر ساختارهای صنعتی اعمال نمایند. یکی از نقاط قوت مهم این پژوهش، تمرکز بر شرکت‌های فعال در ۷ صنعت منتخب بورس اوراق بهادار تهران در یک بازه زمانی نسبتاً طولانی (۱۳۹۰ الی ۱۴۰۲) بوده است؛ چراکه بررسی شرکت‌ها در صنایع ناهمگون و اعمال رویکرد فضایی باعث شد تا نتایج، قابلیت تعمیم قوی‌تری پیدا کند. همچنین، مدل گشتاورهای تعمیم‌یافته فضایی که در این پژوهش به‌کار برده شد، امکان کنترل خودهمبستگی فضایی و ناهمگنی شیب را فراهم آورد که در بسیاری از پژوهش‌های داخلی نادیده گرفته شده است. با این حال، این مطالعه نیز با محدودیت‌هایی مواجه بود. نخست، دسترسی به داده‌های دقیق نمایانگر تصمیمات داخلی کمیته حسابرسی، نظیر تعداد جلسات واقعی یا نحوه رأی‌گیری اعضای کمیته، دشوار بود و پژوهش عمدتاً از اطلاعات ثبتی و گزارش‌های مالی استفاده کرده است. دوم، اگرچه وجود سهامدار عمده یکی از مؤلفه‌های ساختار مالکیتی به‌شمار می‌رود، اما متغیرهای مالکیتی دیگری نظیر مالکیت مدیریتی یا مالکیت نهادی نیز می‌توانند در این معادله نقش داشته باشند که به آنها به‌صورت تفصیلی پرداخته نشده است. برآیند نتایج این پژوهش، آن است که ساختارهای حاکمیت شرکتی قوی‌تر، به‌ویژه استقلال کمیته حسابرسی و هیئت‌مدیره، توانسته‌اند به شکل معناداری مدیریت واقعی سود را کاهش دهند و رویکردی کارآمد برای بهبود شفافیت گزارشگری مالی ارائه کنند. با این وجود، تمرکز مالکیت نزد سهامداران عمده اثری مثبت بر مدیریت سود دارد و اثر نظارتی کمیته حسابرسی را نیز تضعیف می‌کند. از سوی دیگر، تأیید وجود وابستگی فضایی در میان شرکت‌های فعال در صنایع منتخب، گویای آن است که تصمیم‌های سودسازی یک شرکت می‌تواند از سوی سایر شرکت‌ها تقلید شود و این دینامیسم رفتاری

می‌تواند در سراسر زنجیره عرضه و شبکه‌های صنعتی سرایت کند. در نتیجه، سیاست‌گذاران می‌بایست برای کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه در زمینه مدیریت سود، دستورالعمل‌های نظارتی خاص هر صنعت تدوین کنند و به ارتقای ابزارهای حاکمیت شرکتی، اعم از استقلال و تخصص کمیته حسابرسی، توجه ویژه‌ای داشته باشند. در سطح کلان، می‌توان پیشنهاد کرد پژوهش‌های آتی نقش سایر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی-نظیر تخصص مالی کمیته حسابرسی و تنوع جنسیتی در هیئت‌مدیره-را در کنار ویژگی‌های مالکیت سهامدار عمده، اما با تفکیک سهامدار دولتی و خصوصی، بررسی کنند. همچنین، می‌توان در پژوهش‌های بعدی در نظر گرفت که اثر مکانیزم‌های تشویقی و تنبیهی برای عملکرد بهتر اعضای کمیته حسابرسی و هیئت‌مدیره را بر میزان مدیریت سود مطالعه کرده و هم‌زمان نقش فضایی بین صنایع نزدیک به هم را از حیث همبستگی جغرافیایی یا ساختاری مورد مذاقه قرار داد. این پیشنهادها می‌تواند درک عمیق‌تری از عواملی که منجر به تصمیم‌گیری‌های مالی فرصت‌طلبانه می‌شوند، فراهم آورد و در نهایت به تصمیم‌سازی‌های اثربخش‌تر نظارتی و قانونی بینجامد. بدین ترتیب، پیشنهادات کاربردی این پژوهش به شرح زیر است:

۱) ارتقای شفافیت و فرایندهای تصمیم‌گیری در کمیته حسابرسی:

پیشنهاد می‌شود سازمان بورس و اوراق بهادار یا نهادهای ناظر، الزامات مشخصی را برای کمیته‌های حسابرسی تدوین کنند که بر اساس آن، فرایندهای تصمیم‌گیری درون کمیته‌ها مستند و شفاف باشد. برای مثال، صورت‌جلسات کمیته حسابرسی که نشان‌دهنده بحث‌ها، اختلاف‌نظرها و توجیهات ارائه‌شده در خصوص رویه‌های حسابداری است، باید به شکل دوره‌ای و با جزئیات کافی در اختیار سهامداران و حتی در صورت لزوم جامعه حرفه‌ای حسابداری قرار گیرد. این شفافیت باعث می‌شود تا سهامداران عمده نتوانند به‌سادگی بر تصمیمات کمیته تأثیرگذاری منفی داشته باشند و همچنین، نظارت‌گران بیرونی از روند واقعی بررسی‌ها در کمیته حسابرسی آگاه‌تر شوند.

۲) ایجاد دستورالعمل‌های صنعتی ویژه برای کنترل رفتارهای فرصت‌طلبانه سود در شرکت‌های بزرگ: با توجه به نتایج این پژوهش مبنی بر خودهمبستگی فضایی بین شرکت‌های یک صنعت و نقش مخرب احتمالی سهامداران عمده، پیشنهاد می‌شود سازمان بورس با همکاری انجمن‌های تخصصی صنایع (نظیر انجمن صنعت فلزات اساسی یا صنایع پتروشیمی) دستورالعمل‌های ویژه‌ای را برای کنترل و پایش مدیریت سود در صنایع بزرگ تهیه کند. این دستورالعمل‌ها باید متناسب با ساختار مالی و عملیاتی هر صنعت طراحی شوند و به صورت ادواری (مثلاً هر شش ماه) گزارش ممیزی و رتبه‌بندی از شرکت‌های آن صنعت بر اساس ریسک مدیریت سود منتشر شود.

۳) توسعه معیارهای صلاحیت حرفه‌ای برای اعضای مستقل کمیته حسابرسی:

برای تقویت جایگاه نظارتی کمیته حسابرسی، می‌توان الزامات سخت‌گیرانه‌تری را در خصوص تجربه، دانش مالی و استقلال حرفه‌ای اعضای آن تدوین کرد. برای نمونه، اعضای مستقل کمیته حسابرسی ملزم

شوند که از تجربه کار در پست‌های کلیدی حسابرسی یا مالی، حداقل به مدت ۵ سال برخوردار باشند و به طور پیوسته در دوره‌های آموزشی پیشرفته حسابرسی و حسابداری شرکت کنند. این استانداردها باید توسط نهادهای حرفه‌ای (مانند جامعه حسابداران رسمی ایران) تأیید و کنترل شوند تا از نفوذ احتمالی سهامدار عمده بر انتصاب افراد فاقد تخصص جلوگیری شود.

۴) ایجاد سامانه هشدار سریع (Early Warning System) برای نظارت بر ساختار مالکیت:

با توجه به اینکه حضور سهامداران عمده می‌تواند تعدیل‌کنندگی منفی بر نقش نظارتی کمیته حسابرسی داشته باشد و به افزایش مدیریت واقعی سود منجر شود، پیشنهاد می‌شود سامانه‌ای جامع برای رصد تمرکز مالکیت در شرکت‌ها و تغییرات ناگهانی میزان سهامداران عمده راه‌اندازی شود. این سامانه باید شاخص‌های کلیدی مانند درصد سهام در اختیار هر سهامدار عمده، دفعات نقل و انتقال سهام توسط سهامداران عمده، و نوع مالکیت (دولتی، خصوصی یا نهادی) را پایش کند. در صورت مشاهده تغییرات غیرعادی، گزارش‌های هشدار برای نهادهای نظارتی ارسال شود تا پیش از شکل‌گیری فرصت‌های مدیریت سود، اقدامات کنترلی لازم انجام شود.

منابع

- آرین پور، آرش؛ مرادی، مریم. (۱۴۰۰). تأثیر ساختار مالکیت، ویژگی‌های هیأت‌مدیره و کمیته حسابرسی بر مدیریت سود. حسابداری، حسابرسی و تأمین مالی در محیط‌های اسلامی، ۱(۱)، ۳۰-۶۲
- بذرافشان، آمنه؛ جعفرزاده، نفیسه. (۱۴۰۳). بررسی رابطه بکارگیری حساب‌رسان پرمشغله و مدیریت سود با تأکید بر نقش کمیته حسابرسی. پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای، ۵(۱۷)، ۹۰-۱۱۳.
- حمیدیان، نرگس؛ عرب صالحی، مهدی؛ تقیان، مجید. (۱۴۰۱). تأثیر مدیریت سود واقعی بر اظهارنظر حسابرسی دربارهٔ تداوم فعالیت در شرکت‌های درماندهٔ مالی. نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۴(۱)، ۶۰-۳۷.
- خدادادی، محسن؛ نونهال نهر، علی‌اکبر؛ خردیار، سینا؛ مشکلی میاوقی، مهدی. (۱۳۹۹). تأثیر دانش ضمنی مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی: با تأکید بر رویکرد نظارتی کمیته حسابرسی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۹(۳۳)، ۱۰۶-۱۱۹.
- شهرابی، ف؛ کاظمی، ح. (۱۳۹۷). تمرکز مالکیت و مشتری عمده بر اجتناب مالیاتی؛ با تأکید بر نقش حاکمیت شرکتی. پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کار، ۹(۲۰)، ۲۵-۳۹.
- صابری گهروئی، پگاه؛ صابری گهروئی، سپیده؛ داغانی، رضا. (۱۴۰۲). بررسی تفاوت کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در شرکت‌های ورشکسته و سالم: روش گروه‌های همسان با استفاده از یادگیری ماشین. پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای، ۳(۱۰)، ۵۶-۷۱.

- فرجی، ا؛ جنتی دریاکناری، ف؛ منصور، ک؛ یونسی مطیع، ف. (۱۳۹۹). مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش شرکت: نقش تعدیلگر مدیریت سود. *مجله علمی مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۷(۱)، ۲۵-۵۸.
- قائم، ف؛ مرادی، ز؛ علوی، غ. (۱۳۹۹). تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر کنترل‌های داخلی و مدیریت سود. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۲(۴۶)، ۲۵۹-۲۸۰.
- محل حرز، قاسم؛ پیری، پرویز؛ زواری رضایی، اکبر. (۱۴۰۳). مدل‌سازی ارتباط بین کیفیت افشاء و دقت پیش‌بینی سود با توجه به اقلام تعهدی نوسانات سود: رویکرد اقتصادسنجی فضایی. *حسابداری و بودجه‌ریزی بخش عمومی*، ۵(۴).
- محمدی خانقاه، گ؛ پیری، پ؛ منصورفر، غ. (۱۳۹۸). مدیریت سود واقعی، کیفیت حاکمیت شرکتی و رتبه اعتباری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶(۴)، ۵۹۵-۶۱۴.
- Abbott, L. J., Parker, S., & Peters, G. F. (2004). Audit committee characteristics and restatements. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 23(1), 69-87.
- Alhadab, M., & Clacher, I. (2018). "The impact of audit quality on real and accrual earnings management around IPOs." *The British Accounting Review*, 50(4), 442-461.
- Almahrog, Y., Marai, A., & Knežević, G. (2021). "The influence of corporate governance on real earnings management: Evidence from Jordan". *Meditari Accountancy Research*, 29(3), 586-609.
- Alzoubi, E. S. S. (2016). Ownership structure and earnings management: Evidence from Jordan. *International Journal of Accounting & Information Management*, 24(2), 135-161.
- Amin, A., Ali, S., & Mahtab, N. (2024). "Corporate governance and real earnings management: Evidence from an emerging economy". *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 99-121.
- Anselin, L., Gallo, J. L., & Jayet, H. (2008). Spatial panel econometrics. In *The econometrics of panel data: Fundamentals and recent developments in theory and practice*. Berlin, Heidelberg: Springer Berlin Heidelberg, 625-660.
- Baltagi, B. H., Egger, P., & Pfaffermayr, M. (2007). Estimating models of complex FDI: Are there third-country effects?. *Journal of Econometrics*, 140(1), 260-281.
- Basu, N., Paeglis, I., & Rahnamaei, M. (2016). Multiple blockholders, power, and firm value. *Journal of Banking & Finance*, 66, 66-78.
- Beasley, M. S. (1996). An empirical analysis of the relation between the board of director composition and financial statement fraud. *The Accounting Review*, 71(4), 443-465.
- Beasley, M. S., Carcello, J. V., Hermanson, D. R., & Neal, T. L. (2009). The audit committee oversight process. *Contemporary Accounting Research*, 26(1), 65-122.

- Bédard, J., & Gendron, Y. (2010). Strengthening the financial reporting system: Can audit committees deliver?. *International Journal of Auditing*, 14(2), 174-210.
- Bhandari, A., Mammadov, B., Thevenot, M., & Trompeter, G. (2018). Using item response theory to improve accounting researchers' ability to detect earnings management. *Journal of Business Finance & Accounting*, 45(5-6), 604-647.
- Chen, J., Dong, W., Li, S., & Zhang, Y. (2020). Corporate social responsibility and financial fraud: Evidence from China. *Accounting & Finance*, 60(4), 3775-3814.
- Cheng, Q., & Warfield, T. D. (2005). Equity incentives and earnings management. *The Accounting Review*, 80(2), 441-476.
- Chouaibi, J., Zouari, G., & Khelif, H. (2021). How does the board of directors affect real earnings management? The moderating role of gender diversity. *Pacific Accounting Review*, 33(5), 590-613.
- Cohen, D. A., Dey, A., & Lys, T. Z. (2008). Real and accrual-based earnings management in the pre-and post-Sarbanes-Oxley periods. *The Accounting Review*, 83(3), 757-787.
- Cohen, D. A., & Zarowin, P. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of Accounting and Economics*, 50(1), 2-19.
- Dechow, P., Ge, W., & Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3), 344-401.
- Dechow, P. M., & Dichev, I. D. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The Accounting Review*, 77(s-1), 35-59.
- DeZoort, F. T., Hermanson, D. R., Archambeault, D. S., & Reed, S. A. (2002). Audit committee effectiveness: A synthesis of the empirical audit committee literature. *Journal of Accounting Literature*, 21, 38-75.
- Dougal, C., Parsons, C. A., & Titman, S. (2019). Urban vibrancy and corporate growth. *The Journal of Finance*, 70(1), 163-210.
- Edmans, A. (2014). Blockholders and corporate governance. *Annual Review of Financial Economics*, 6, 23-50.
- Elhorst, J. P. (2014). *Spatial econometrics: from cross-sectional data to spatial panels*. Heidelberg: Springer, 479, 480.
- Fama, E. F., & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. *The Journal of Law and Economics*, 26(2), 301-325.
- García Lara, J. M., García Osma, B., & Penalva, F. (2009). Accounting conservatism and corporate governance. *Review of Accounting Studies*, 14(1), 161-201.

- García-Sánchez, I. M., Hussain, N., Martínez-Ferrero, J., & Ruiz-Barbadillo, E. (2022). Impact of board gender diversity on auditor choice and real earnings management. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 29(1), 94-109.
- Ghafran, C., & O'Sullivan, N. (2013). The governance role of audit committees: Reviewing a decade of evidence. *International Journal of Management Reviews*, 15(4), 381-407.
- Jennings, J., Lee, J., & Matsumoto, D. A. (2015). The effect of industry co-location on analysts' information acquisition costs. *The Accounting Review*, 92(4), 103-127.
- Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-360.
- Kelejian, H. H., & Prucha, I. R. (1999). A generalized moments estimator for the autoregressive parameter in a spatial model. *International Economic Review*, 40(2), 509-533.
- Khuong, N. V., Liem, N. T., & Minh, T. T. H. (2020). Earnings management and corporate governance characteristics: Evidence from Vietnamese listed firms. *Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 7(4), 71-80.
- Klein, A. (2002). Audit committee, board of director characteristics, and earnings management. *Journal of Accounting and Economics*, 33(3), 375-400.
- Koh, P. S., Laplante, S. K., & Tong, Y. H. (2007). Accountability and value enhancement roles of corporate governance. *Accounting & Finance*, 47(2), 305-333.
- Kuo, J. M., Ning, L., & Song, X. (2023). The impact of corporate governance on real earnings management: Evidence from Chinese listed firms. *Pacific-Basin Finance Journal*, 77, 101846.
- La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., & Shleifer, A. (1999). Corporate ownership around the world. *The Journal of Finance*, 54(2), 471-517.
- LeSage, J., & Pace, R. K. (2009). *Introduction to spatial econometrics*. Chapman and Hall/CRC.
- Li, Y., & Zeng, Y. (2019). The impact of top management team's ownership and board characteristics on real earnings management. *Journal of Accounting and Public Policy*, 38(3), 291-305.
- Li, Y., Li, X., Xiang, E., & Djajadikerta, H. G. (2022). Financial distress, internal control, and earnings management: Evidence from China. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 18(1), 100277.
- Liu, C., Sun, L., & Chen, G. (2022). Female CFOs and earnings management: Evidence from China. *Pacific-Basin Finance Journal*, 71, 101594.
- Malik, M. (2014). Audit committee composition and effectiveness: A review of post-SOX literature. *Journal of Management Control*, 25(2), 81-117.

- Parsons, C. A., Sulaeman, J., & Titman, S. (2018). The geography of financial misconduct. *The Journal of Finance*, 73(5), 2087-2137.
- Pesaran, M. H. (2004). General diagnostic tests for cross section dependence in panels. University of Cambridge, Faculty of Economics, Cambridge Working Papers in Economics, 1240(1), 1.
- Pesaran, M. H., & Yamagata, T. (2008). Testing slope homogeneity in large panels. *Journal of Econometrics*, 142(1), 50-93.
- Ramalingegowda, S., & Yu, Y. (2012). Institutional ownership and conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 53(1-2), 98-114.
- Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42(3), 335-370.
- Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1997). A survey of corporate governance. *The Journal of Finance*, 52(2), 737-783.
- Vafeas, N. (2005). Audit committees, boards, and the quality of reported earnings. *Contemporary Accounting Research*, 22(4), 1093-1122.
- Walker, R. M., Zhang, F., & Ni, N. (2023). Earnings management and corporate social responsibility: A meta-analysis. *Journal of Business Ethics*, 184(2), 301-322.
- Wang, D. (2006). Founding family ownership and earnings quality. *Journal of Accounting Research*, 44(3), 619-656.
- Wang, F., Zhu, L., & Hoffmire, J. (2021). The impact of large shareholders on executive compensation: Evidence from China. *International Review of Economics & Finance*, 71, 517-532.
- Xie, B., Davidson, W. N., & DaDalt, P. J. (2003). Earnings management and corporate governance: the role of the board and the audit committee. *Journal of Corporate Finance*, 9(3), 295-316.
- Zalata, A. M., Tauringana, V., & Tingbani, I. (2018). Audit committee financial expertise, gender, and earnings management: Does gender of the financial expert matter?. *International Review of Financial Analysis*, 55, 170-183.
- Zang, A. Y. (2012). Evidence on the trade-off between real activities manipulation and accrual-based earnings management. *The Accounting Review*, 87(2), 675-703.
- Zhang, Y., Perols, J., Robinson, D., & Smith, T. (2023). Earnings management and audit quality: A comprehensive meta-analysis. *Journal of Accounting Literature*, 55, 100426.